

# باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامي

- شماره هفتم
- تير ماه ۱۴۰۲

- ويژه نامه ورودی های جديد
- باشگاه پانزدهم



# نطق پیش از دستور

امین شفیعی



## تحریریه

دبیر بخش نثر:  
کوثر هاشمی زاده

ناثران:

مهدی حمیدی امیدوار، سید حامد حسینی، حمیدرضا سبزی، خدیجه رفیعی وردنجانی، عارفه زراعتی، فاطمه دعوی، ثمین سلیمانی نژاد، فاطمه خاوری، یونس بهاروند، محمد صبوریان، فاطمه بوجار

دبیر بخش کاریکاتور:  
نازنین اسماعیل زاده

کاتران:

سید محمد سالم، سجاد گیلپور محسنی، حسین احمدی، ثمین سلیمانی نژاد

دبیر بخش شعر:  
محمد صبوریان

شاعران:

مهدی حمیدی امیدوار، رحیمه مهربان، فاطمه جعفری

صفحه آرا:

محمد صبوریان

طرح روی جلد:  
حسین احمدی

رسیدن سر خرمن و لم دادن و به نیش کشیدن  
مشت مشت محصول! این متاسفانه رسم بد  
بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی شده است.  
باشگاه طنز انقلاب اسلامی اما خواست تا این  
نباشد. آمد تا دانه دانه دستچین کند، بکارد، آب  
بنوشاند و هرس و حراست کند. بعد صبر و دعا و  
باز تلاش تا برسد به سرود فصل برداشت. و این  
پانزدهمین دوره است که دانه‌های ما جوانه زدند.  
بچه‌هایی که یک سال آموختند و نوشتند و نقش  
زدند و سرودند و نقد شدند و مطالعه کردند و باز  
آموختند تا رسیدند به امروز. امروز که طبق سنت  
دوره‌های پیشین، یک شماره جدید به مجله طنز  
پا به راه افزودند تا هم ورود جدیشان به عرصه  
نویسندگی کشور را فریاد بزنند و هم پوتین‌هایشان  
را سفت کنند برای مسیری دشوار. به دشواری  
نبرد در جبهه فرهنگی حق و به شیرینی لذت از  
لبخند رضایت ولی امر و امام زمان. ان شاء الله

# شخصیت شناسی با تم مجلس

## خیله بدین ... !

### فاطمه خاوری

که نتوانسته در جلسه حضور بهم رساند؟؟ شاید کار واجب‌تری داشته. فردا اگر همسر ایشان به دلیل نبودن در فضای گرم خانواده از ایشان ناراحت شد، شما کانون خانواده‌شان را گرم می‌کنید؟! اینقدر در زندگی دیگران دخالت نکنید.

ضمن اینکه ایشان نماینده‌ی ملت ایران است، و آیا در ملت ایران، عده‌ای پیدا نمی‌شوند که دوست داشته‌باشند کار نکنند و به تفریح و سرگرمی خود بپردازند؟ آیا مشکلات کشور برای همه‌ی مردم مهم است؟ آیا کمر همه در زیر بار مشکلات پرس شده‌است؟ آیا همه از قیمت خانه و ماشین و گوشت و مرغ و ... و .. رنج می‌برند؟ این مردم نماینده نمی‌خواهند؟ این مردم ملت ایران نیستند؟ آیا نظر ایشان که بی‌اعتنایی است، مهم نیست؟؟ کمی انصاف داشته باشید.

### تعداد حاضرین:

تبریک می‌گوییم. شما از سلامت روانی خوبی برخوردارید. پیشنهاد می‌شود برای نمایندگی آن عده از مردم مظلوم ایران، که در بالا ذکر شد، اقدام نمایید. جامعه به افرادی مثل شما نیاز دارد

اصلاً شرکت نکنند. اما با نفس خود مبارزه کرده و آمده. این جای تشکر دارد نه اعتراض.

### ممتنع:

شما آدم خیلی خیلی قدرشناسی هستید. کمی خودتان را اصلاح کنید. همین که در جلسه حضور پیدا کرده و فکر کرده و رأی داده، جای شکر دارد. حالا دوست نداشته نظرش را به اشتراک بگذارد. یا اصلاً حال نداشته بگوید بله یا خیر. همین قدر که دکمه‌ی رأی را فشار داده‌است، نهایت قدرانی را دارد. ما از ایشان به‌خاطر حضور سبز و گرمشان، حالا نه آنقدر پررنگ، سپاس‌گزاریم. نقد و اعتراض یک عده سبب دلسردی‌تان نشود. همین قدر پر قدرت مسیر را ادامه دهید.

### تعداد غایبین:

شما از نداشتن ذره‌ای حس مثبت‌نگری در زندگی خود رنج می‌برید. پیشنهاد می‌کنیم به نزدیک‌ترین مطب در محل زندگی‌تان مراجعه کنید تا کمی به شما حس مثبت‌نگری تزریق شود. این همه نکات مثبت را ول کردید و چسبیدید به نماینده‌ی بدبختی

به تصویر زیر دقت کنید چه چیز بیش تر از همه شما را آزار می‌دهد؟

تعداد درصد	تعداد درصد
تعداد حاضرین	۱۹۲
موافق	۶۷/۱۳
۱۴۷	۷۶/۵۶
آراء مأخوذه	۱۶۷
مخالف	۸۶/۹۸
۸/۳۳	۱۶
بدون رأی	۲۵
۱۳/۰۲	ممتنع
۴	۲/۰۸

### مخالفین:

شما آدم خودخواهی هستید. دوست دارید همه با شما موافق باشند. پذیرای هیچ نظر مخالفی نیستید. کمی روی خود کار کنید، شاید توانستید در آینده به مقام و جایگاهی برسید.

### بدون رأی:

شما آدم قدرشناسی هستید. یک نفر می‌توانسته در خانه بماند، یا به سفر رفته و با خانواده به تفریحش برسد. اما به‌خاطر شما بلند شده و آمده در جلسه شرکت کرده‌است. حالا رأی نداده، یا رأی نداشته. این قدر بی‌چشم‌ورو نباشید. می‌توانسته مثل دیگران

## گفتگوی رضاخان با رضاخان

### مجلس به توپ است

سید حامد حسینی

- پهلوی: های رضا خان

+ خوبه در جمع مرد باشی.

+ فروغی: های رضا خان

- فقط من باید حق و تو داشته باشم.

- به زودی انتخابات مجلس شروع می‌شه ، نماینده‌ها کیا باشند؟!

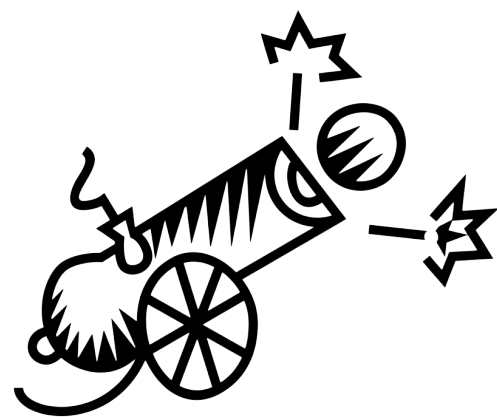
+ اون که صد درصد ولی اگر مجلس قبول نکرد چی؟!

+ از مردمی که انتخاب کردیم، به مردم می‌گیم که از بین اون‌ها به انتخاب خودتون انتخاب کنند.

- به نظرت مجلس نباید یک واحد توپخانه اطرافش مستقر باشه؟!

- باو شه، پس بذارید مردم هم اسم چند نفر رو روی کاغذ بنویسند. منم تو انتخابات شرکت می‌کنم .

+ موافقم خیلی به جو و دکور مجلس کمک می‌کنه. چه قدر خوبه که همه‌ی سردمداران کشور با هم یک رأی و یک صدا هستند.



- اعلام کنید مردم اجازه دارند اسم نماینده‌های ما رو روی هر نوع کاغذی که خواستند بنویسند.

+ ابزار نوشتن هم آزاده؟

- سگ خورد! ابزار نوشتن هم آزاد.

+ این مردم باید تا قرن‌ها قدردان شما باشند.

## دوئل

فاطمه جعفری

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است  
 آه بعد از ماه‌ها خفتن قیامت امشب است  
 من چه میدانم ز جزوه یا کدامین فصل هاست  
 وای فردا امتحان است و مصیبت امشب است  
 درس و دانشگاه و مدرک آخرش هم خب که چه  
 دوئل ننگین و سخت علم و ثروت امشب است  
 گفتم استاد! عزیزا! ناجی بیچارگان!  
 نمره کیلو کن که هنگام سخاوت امشب است  
 دور کردم جای درس صد هزار اسم خدا  
 چون که وقت نذر و ابراز ارادت امشب است  
 پیر ما گوید: شناسی یار خوب اندر سفر  
 پرنگاه سنجش یار و رفاقت امشب است

سید محمد سالم



## لو رفتیم ... !

حمید رضا سبزی

**روزنامه فضیلت:** برای امتحانات نهایی امسال وزیر آموزش و پرورش پیشنهاد داده است علاوه بر اینترنت، برق تمام کشور چند ساعت قبل و بعد امتحانات قطع گردد.

**روزنامه جهان دیروز:** فرمانده کل نیروهای مسلح آمادگی تمام یگان‌های مسلح و غیرمسلح خود را برای حفظ از سوالات امتحانات نهایی اعلام کرد.

**روزنامه جهان امروز:** شنیده‌ها حاکی از آن است که احتمال ارسال سوالات با فضایما به بیرون از جو و بازگرداندن آن در روز امتحانات از گزینه‌های اصلی می‌باشد.

**روزنامه هوشمندان:** کاندیدهای طراحی سوالات را در روز امتحانات به صورت اتفاقی انتخاب و هم‌زمان سوالات طراحی و با بیسیم بیچ شود.

**روزنامه فرهیختگان:** نگهداری سوالات در صندوق امانات بانک ملی روبروی دانشگاه تهران بهترین گزینه می‌باشد.

**روزنامه شرق:** تنها راه، امضای برجام و دوستی با کدخداست.

**روزنامه عدالت:** امتحانات نهایی را حذف و به جای آن از سیستم یکپارچه ورود به دانشگاه‌ها با شرایط ذیل استفاده شود: هر خانواده فقط یک فرزند و نباید تا ۸۴ ماه گذشته فرزند دانشجوی داشته باشند.

اگر بچه چهارم باشد با طرح جوانی جمعیت با هر سنی وارد دانشگاه شود.

### تیترو تمامی روزنامه‌های فردای امتحانات:

سوالات امتحانات با رعایت همه پیشنهادها یک ربع قبل از امتحانات لو رفت.

## طالب فیض

رحیمه مهربان

از آنچه که رخ داده بسی مبہوتم

از اول ترم، سالک ناسوتم

افتادگی آموخته‌ام قدری که

هر ترم همیشه ی خدا مشروطم



# نیازمندیها

محمد صبوریان

به اون رأی ندهید	تعدادی وعده گم شده از یابنده تقاضا می شود با بهارستان تماس حاصل کرده و کمیسیونی را از نگرانی برهاند	به من رأی دهید
<b>بازم من</b>		<b>من</b>
دیگر نگران شفافیت آرا نباشید آماده سازی هر گونه رأی جهت انتشار در مجازی	<b>سرکارگزاران</b>	مقداری قیر درجه یک نیم پس نده نیازمندیم
<b>فتوشاپ امین</b>	به تعدادی پیر طریق نعمتی جهت	<b>شفاف خواهان تحول گرا</b>
به اون اصلاً رأی ندهید	ممانعت از راهیابی حیدری به خرابات نیازمندیم	برای پیشرفت ایران به ما رأی دهید
<b>کانال بزرگ دلسوختگان انقلابه مستقل</b>	<b>زدان تشنه لب</b>	<b>دینا</b> (دنا پلاس نگرهتگان انقلاب)

سجاد گیل پور



## آسان‌ترین راه موفقیت

فاطمه دعوی

امتحان کن که بسی گنج مرادت بدهند

گر خرابی چو مرا لطف تو آباد کند

ای صاحب فال!

بدان و آگاه باش و پند و اندرز من را به فال نیک بگیر تا رستگار شوی. اگر می‌خواهی به رمز موفقیت در امتحانات پایان ترم نائل آیی و گنج پیروزی را در قلمروی ذهن خود داشته باشی، هر کاری که من خواهم می‌گویم را بدون اما و اگر، انجام بده. که از صف اولی‌ها جلو بزنی تا به عنوان برگزیده سمت پای اعلانات مدرسه با خط خوش و خوانا نوشته شود، همین‌طور در مدرسه همتا و نمونه نداشته باشی، و پدربت به عنوان جایزه به جای آب‌نبات چوبی به تو دوچرخه‌ی برقی هدیه دهد، و دگر زنجیر لای چرخ لاستیک ماشین پدربت نرود، و سیلی چرب و نرم را نوش جان نکنی، و بدون گواهینامه از همان کودکی رانندگی کنی تا و لکن در امتحان رانندگی به جای ۰۱ بار امتحان فنی، با بار اول قبول شوی.

به کلام من گوش بده تا موفق شوی.

خوب، ابتدا باید دست من را بگیری و من را یاری کنی:

۱. به نیت من صدقه ده تا از جونت محافظت کنم، چون دعای من بدرقه‌ی راه توست.
۲. هر روز ۱۰۰ مرتبه برایم فاتحه و صلوات بفرست، تا از ناخالصی‌ها رها یابم و پاک شوم.
۳. هر شب جمعه سر مزارم حاضر شو و برایم شبیرینی خامه‌ای ملکی خیرات کن تا روجم شاد شود.

اگر در امتحانات خرابی به‌بار آوری، استرس به دلت راه نده. چون لطفی که در حق من کردی، به دل وزارت آموزش و پرورش می‌اندازد که امتحانات ارزش چندانی ندارند و درس خواندن چندان مهم نیست. چون سیستم از اساس مشکل دارد و کار سرمایه‌ی آدمی‌زاد است، برو کنار دست نمکی‌های داخل کوچه کار کن. کار هرچه کم‌ارزش‌تر، مزایا و حقوق بیش‌تر!

یقین کن که در امتحانات موفق خواهی بود و نمره‌ی ۲۰ دریافت خواهی کرد. چون پشتت به من خواجه گرمه. من همیشه در کنارتم

## فهمیدن یا حفظ کردن؟

سید حامد حسینی

هرچه کتاب خواندم و هرچه ورق زدم

چیزی نبود غیر حجابی پس حجاب

پس ای صاحب فال! بدان و آگاه باش که چون عزم خواندن کنی و کتب را فهم کردی، تو را حین امتحان چاره‌ساز نباشد. پس سیره‌ی حافظان کتب درسی را در پیش گیر؛ چرا که معلم محتاج به نمره‌ی توست نه فهمت. و آموزش پرورش گر بخواهد به نمره‌ی معلم نگاه کند، در یک روی ترازو معلم را گذارد و در روی دیگر نمره‌ی دانش آموز را. پس پی استعداد خود گیر و علایقی را که دیگران بر تو قالب می‌کنند را به پشم گوسفند خود هم مگیر. اگر چنین کردی، چون صبح جمعه از خواب برخاستی، از اخبار مملکت بی‌اطلاع نخواهی بود و ۸ سال عمر مردم را به انهدام نخواهی داد. و اگر وقت مطالعه نیافتی، به تف دادن در امتحان کفایت کن. ولی اگر تقوا پیشه کنی بهتر است. چرا که در قرآن گفته شد: «وَيْلٌ لِّلْمُتَفَقِّهِينَ!» و آنان کسانی هستند که در امتحان کم‌کاری می‌کنند. فلذا بدان و آگاه باش که آنچه را که فهم کردی، بی‌ثمر نخواهد ماند و می‌توانی به بچه‌های فامیل در درس‌هایشان کمک کنی. حال برو بخواب که فردا امتحان داری و فال برای تو چاره نباشد.

## خبری نیست دیگه؛ اه!!

ثمین سلیمانی نژاد

مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز

ور نه در مجلس زندان خبری نیست که نیست

ای صاحب فال! چند روزی ست که در کار مجلس و مجلسیان کنجکاو می‌کنی و می‌خواهی از اسرار درون پرده و چه کسی چه رأیی داد یا نداد و حضور و غیاب مجلسیان آگهی یابی. یا حتی پا را فراتر گذاشته و از اموال و دارایی‌های آن زبان‌بستگان مطلع شوی. دست از این خواهش‌های نفسانی بشوی که خبری نیست! و اینگونه مانند پیشینیان عمر خود تلف مکن که آنها که از خودشان بودند و امضاء جمع می‌نمودند از سایرین، به جایی نرسیدند که تو بخواهی برسی. آگاه باش که حضرت حافظ از نبودن خبر در مجلس زندان می‌گوید، این که مجلس انقلابی است و به جز کوشش و مجاهدت شبانه روزی نیروهای خدوم و مردمی برای پیشرفت و اقتدار نظام اسلامی و بهبود معیشت مردم مگر اتفاق دیگری در آن رقم می‌خورد که بخواهی جوایز اخبار آن باشی؟! نکند ضدانقلاب هستی و می‌خواهی مجلس را با مطالبات حاشیه‌ای مثل طرح شفافیت آراء، از مسیر اصلیش منحرف کنی؟

در حال مصلحت وقت در آن است که با شاهی بنشین و به شکرانه‌ی بافت یک‌دست اصول‌گرا و انقلابی دولت و مجلس قدحی دوغ درکشی و مدح مجلسیان گویی و منتشر کنی که انتخابات نزدیک است و خطر ورود دوباره‌ی اصلاح‌طلبان لیبرال در کمین! هیاهات که با این دست زیاده‌خواهی‌ها و شکوه‌های نابخردانه، نعمت از کفمان بیرون کنند و ما را به ایام تصویب بیست دقیقه‌ای برجام و سلفی حقارت بازگردانند.



ثمین سلیمانی نژاد



## سعدی هم از خودمونه!

ثمین سلیمانی نژاد

می مانسته. و همین امر موجب می شده تا نظر پشت سری ها از برگه ای امتحان او کوتاه شود.

«و ابرو که تو داری ای پری زاد  
در صید چه حاجت کمانت»

سعدی در فرآیند مذاکره و چانه زنی با بسیارخوان، به او می گوید؛ اگر بیم تویخ شدن بخاطر حرف زدن سر امتحان داری (دهان به کمان تشبیه شده و رساندن تقلب به صید)، کافی است با اشاره ای ابرو جواب درست را برسانی. باز اینجا متوجه می شویم برخلاف تصور رایج، طراحی سوالات چهارگزینه ای و صحیح و غلط، از غرب آسیا آغاز شده است. زیرا با اشاره ای ابرو تنها پاسخ این نوع سوالات را می توان رساند. و خارج از قبول این فرض، بیت بی معنی می شود.

«گویی بدن ضعیف سعدی  
نقش بست گرفته از میانت»

گویا دیگر بحث منطقی راهگشا نیست و از این بیت به بعد، سعدی شروع به عملیات روانی می کند. و ابتدا می گوید: من شب امتحان مریض بودم و توان درس خواندن نداشتم.

«گر واسطه سخن نبودی  
در وهم نیامدی دهانت»

به شیوه ی ظریفی، شاعر مدح و دشنام را درهم می آمیزد و می گوید: اگر نبود امیدم به اینکه واسطه ی سخن (تقلب رسان) هستی؛ مدام در ذهنم فحشهایی که به دهان مربوط است را حواله ات می کردم.

«شیرینتر از این سخن نباشد  
الا دهن شکر فشانت»

اینجا سعدی تیر آخر را می اندازد و برای گرفتار کردن بسیارخوان در دام مرام و معرفت، نوشابه ای برایش باز می کند که می دانم آنقدر بچه ی گلی هستی و آنقدر کارت درست هست که کار ما را هم راه بیندازی، بیا آقایی کن و... .

غزل اینجا به پایان می رسد و شواهد دیگری درباره ی پایان کار سعدی و بسیارخوان موجود نیست.

تا تحلیل و کشف اسرار دیگری از شعر کهن پارسی بدرود.

«با آن که تو مهر کس نداری  
کس نیست که نیست مهربانت»

این بیت قدمت تاریخی غیر اجتماعی بودن محصلان بسیارخوان و سفت بودن آنها در برابر پیشنهادهای مکرر دوستی در آخر نیمسال را نشان می دهد.

«وبین سر که تو داری ای ستمکار  
بس سر برود در آستانت»

اشاره دارد به مردود شدن خیل عظیمی از همکلاسی هایی که فقط با کمک کوچکی از طرف بسیارخوان، می توانستند نمره ی قبولی را بگیرند.

«بس فتنه که در زمین به پا شد  
از روی چو ماه آسمانت»

برگه ای امتحانی که در آن زمان به صورت یک رو عرضه می شده، در این بیت مورد بحث است. شاعر کل برگه را به آسمانی از علم و دانش، و طرفی که خالی و سفید می مانده را به ماه تشبیه نموده، و می فرماید؛ فرد بسیارخوان به محض نوشتن پاسخ هر سوال، برگه را به پشت برمی گردانده (روی ماه برگه). و دیگران که به خاطر تلاش برای دیدن پاسخها به جلو خم شده بودند، به اتهام تلاش برای تقلب از سر جلسه ی امتحان اخراج می شدند.

«من در تو رسم به جهد هیهات  
کز باد سبق برد عنانت»

سعدی اعتراف می کند که این حجم از وقت و تلاشی که فرد بسیارخوان برای کسب نمره صرف می کند، چنان زیاد و غیرمنطقی است که هیچ موجود جاندار و بی جانی از عهده ی رقابت با او بر نمی آید.

«بی یاد تو نیستم زمانی  
تا یاد کنم دگر زمانت»

سعدی اما زندگی به خرج داده و با شاگرد دوم کلاس که خانم یا آقای زمانی نام داشته نیز می بندد، تا اگر بسیارخوان به سینه ی او دست زد، مجبور به دیدن مجدد استاد درس برای یک نیمسال دیگر نباشد.

«کوته نظران کنند و حیفت  
تشبیه به سرو بوستانت»

گویا فرد بسیارخوان از بلندی قامت به درختی

با درود بیکران به شما دوستداران شعر و ادب پارسی، امروز غزلی از شیخ اجل سعدی را با نگاهی به وضعیت آموزش و تربیت در قرن هفتم هجری شمسی بررسی خواهیم کرد. همچنین اثبات می کنیم که ما ایرانیان، قرنها قبل از افرادی مانند رابرت کیوساکی؛ نویسنده ی کتاب «چرا دانش آموزان ممتاز برای دانش آموزان ضعیف کار می کنند» قائل به روشهای مدرن تربیتی بوده ایم و بزرگان حکمت و ادب و هنر این مرز و بوم در زندگی شخصی خود پیرو این روشها بوده اند و تن به چهارچوبهای خشک نظام آموزشی حاکم نمی دادند.

در غزلی که با هم به تحلیل آن می پردازیم، کشمکش دیالکتیک بین سعدی شاگرد ضعیف آن زمان اما مشهور در آینده و شاگرد اول مدرسه ی نظامیه (که اسم او تنها در خاطر مادر بقیه محصلان برای سرکوفت زدن به فرزندان شان ماندگار شد) را برای رساندن تقلب سر امتحان می بینیم:

«گر جان طلبی فدای جانت  
سهلست جواب امتحانت»

سعدی در مطلع این غزل به هم کلاسی بسیارخوان خود می فرماید: هرآنچه در ازای پاسخ سوالات طلب کنی، تقلب می کنم. و پاسخ به سوالات امتحانی که تو در آن باشی، آسان است. جهش ضمیر در "ت" مربوط به «تو در آن حضور داشته باشی» است، که خود مرجع ضمیر حذف به قرینه ی معنوی شده است.

«سوگند به جانت ار فروشم  
یک موی به هر که در جهانت»

نظامیه ی بغداد از بزرگترین مدارس بین المللی آن زمان به شمار می رفته. و از سراسر دنیا محصل داشته. خانم جانت ار (Johnette Heir) بدون تلفظ h) دانشجوی سال آخر مدیریت بازرگانی و هم کلاسی دیگر جناب سعدی بوده اند. و در این بیت سعدی قسم می خورد که می تواند با تکنیکهای فروش حتی موی فرد بسیارخوان را هم به قیمت گزافی به جانت بفروشد. شاعر تلویحا اشاره می کند که اگر امروز به او کمک شود، فردا دست کمک کننده را خالی بر نمی گرداند.

دیالوگ معروف فروش خودکار فیلم گرگ وال استریت هم از همین بیت الهام گرفته شده.



## شاید یک روز؛ شاید هیچوقت

مهدی حمیدی امیدوار

به گزارش سید صمد صفایی اصل، خبرنگار خبرگزاری صفا نیوز، نمایندگان باصفای مجلس نسبت به کیفیت پایین خودروهای داخلی و گرانی باتری و آینه بغل خودروها هشدار دادند و گفتند به زودی تحقیق و تفحص از دو خودروساز بزرگ داخلی را آغاز خواهند کرد.

زراره زمانی زربین آبادی، خبرنگار خبرگزاری فضا نیوز، اظهار داشت: نمایندگان محترم مجلس نسبت به کیفیت پایین خودروهای داخلی و گرانی تایر و زنجیر چرخ و بلبرینگ خودروها هشدار دادند و گفتند به زودی تحقیق و تفحص از دو خودروساز بزرگ داخلی را آغاز خواهند کرد.

ترانه ترابی طالب‌آبادی از متا نیوز نیز به نقل از فتح الله فیاض بخش فیروزجایی، خبرنگار خبرگزاری فتا نیوز، در گزارشی اذعان کرد: نمایندگان محترم مجلس نسبت به کیفیت پایین خودروهای داخلی و گرانی برف‌پاک‌کن و گلگیر و سپر و قالبای خودروها هشدار دادند و گفتند به زودی تحقیق و تفحص از دو خودروساز بزرگ داخلی را آغاز خواهند کرد.

اما نوبتی هم که باشد، نوبت خبرنگاری صدا نیوز است. سید رسول سالمی سلیم آبادی، رسالت اصلی صدا نیوز را رساندن صدای مردم به مسئولین و صدای مسئولین به مردم عنوان کرد و در گزارشی اظهار داشت:

نمایندگان محترم مجلس نسبت به کیفیت پایین خودروهای داخلی و گرانی دستگیره‌ی شیشه بالا بر عقب خودروها هشدار دادند و گفتند به زودی تحقیق و تفحص از دو خودروساز بزرگ داخلی را آغاز خواهند کرد.

با توجه به حضور مجلس در رأس امور، انتظار می‌رود با ورود نمایندگان و تحقیق و تفحص از دو خودروساز بزرگ کشور، ترمز گرانی‌ها کشیده شده و بازار به یک آرامش نسبی دست یابد.

خیرالله خلیلی خیرآبادی، خبرنگار خانه ملت، خبر خوشی نیز برای نمایندگان پرتلاش خانه ملت داشت و گفت: زمانبندی تحویل خودروهای درخواستی از سوی نمایندگان مجلس به قیمت تمام‌شده‌ی کارخانه به صورت تمام قسط، از فردا روی سایت دو خودروساز بزرگ داخلی قرار خواهد گرفت!!

## گزینه اصلاح

رحیمه مهربان

می‌دهد وعده قدر صد خرمن  
که فراموش می‌کند حتما...  
بین ما نیست قدر جو، صنمی  
بجز از باغ میز او چیدن!

می‌روم رأی می‌دهم، به به!  
گر بجویم گزینه‌ی اصلاح

مردمان را نمی‌کند علاف  
نیست اهل دورویی و اجحاف  
می‌تلاشد به قدر وسع و کفاف  
گفته که رأی می‌دهد شفاف!

می‌روم رأی می‌دهم، به به!  
گر بجویم گزینه‌ی اصلاح

دغدغه‌مند و در پی اصلاح  
فارغ از زور بند و باند و جناح  
همتش، در مسیر خیر و صلاح  
اهل دقت، به امر استیضاح

می‌روم رأی می‌دهم، به به!  
گر بجویم گزینه‌ی اصلاح

اهل بحث‌ست، نه پی فس فس  
نیست اهل تعلق و مس‌مس  
گفته که نیست واقعا اهل  
رانت ماشین و خانه از مجلس

می‌روم رأی می‌دهم، به به!  
گر بجویم گزینه‌ی اصلاح

خود من! چه گزینه‌ی نابی!  
بچه‌ام نیست آنور آبی  
بلدند عده‌ای شنا را خوب  
نیستم بنده مثل مرغابی!

به خودم رأی می‌دهم، به به!  
یافتم یک گزینه‌ی اصلاح!

## شیشه‌ها شفاف باشند لطفا!

حمیدرضا سبزی

راهکارهایی برای اجرای طرح شفافیت آرا  
شیشه‌ها شفاف باشند لطفا!

در راستای شعار انتخاباتی نمایندگان مجلس یازدهم  
مبنی بر شفافیت در آرا و عدم اجرایی شدن آن در سه  
سال گذشته، راهکارهای ذیل جهت اجرایی شدن این  
امر مهم پیشنهاد می‌گردد:

- در ابتدا برگزاری یک کلاس معانی واژگان  
توسط یک معلم ادبیات راهنمایی به منظور  
تشریح معنی شفافیت و تمیز دادن آن با لایوی  
بازی و دیگر معانی.

- تصویب طرح شفافیت با مفاد ذیل نیز می‌تواند  
کمک شایانی در اجرای شفافیت آرا داشته  
باشد.

الف) اگر برای بار اول رأی خود را مخفی بدهند صد  
و پنجاه هزار تومان جریمه نقدی.

ب) اگر برای بار دوم رأی خود را مخفی بدهند صد و  
هفتاد و پنج هزار تومان جریمه نقدی.

ج) اگر رأی ندادن آنها اشائه داشته باشد و روح  
شفافیت مجلس را تحت الشعاع خود قرار دهد ضمن  
تشکیل پرونده در کمیته انضباطی مجلس با جریمه  
سنگین سیصد هزار تومانی روبرو خواهند شد.

- می‌توان پیمانکار خدماتی مجلس را عوض  
کرد تا شیشه‌ها و دیوارهای مجلس شفاف شوند  
که این خود یک حرکت رو به جلو می‌باشد و  
می‌تواند شروع خوبی باشد.

- تکذیب دریافت خودرو از طرف خود، خانواده و  
دفتر نیز شفافیت‌گریبی دارد.

- اعلام پیگیری صد درصدی شفافیت آرا  
در مجلس تا حصول نتیجه، با کاربرد شعار  
انتخاباتی برای دوره بعد.

- به صورت کاملاً شفاف رأی مخفی دادن نیز  
می‌تواند پاسخ کوبنده‌ای به منتقدان عدم  
شفافیت باشد.

### به تعداد آدم‌ها راه هست برای پاس شدن!

رحیمه مهربان

فاطمه بوجار

هی بند به آب داده‌ام، آبادم!  
اینبار که تجدید شوم، بر بادم!  
من مورد اعتماد این استادم  
از بس که همیشه امتحان پس دادم!

به نظرم باید استاد رو بخری.  
ایول خانم مشاور  
دمت گرم  
چرا به فکر خودم نرسید پسر!  
ولی من شوخی کردم  
مهم نیست. حالا بریم سر موضوع اصلی  
موضوع اصلی؟  
آره دیگه  
میگم خانم مشاور شما قصد ازدواج ندارید؟  
خانم مشاور blocked دانشجو پرو قرینه مشکی

سلام خانم  
برای مشاوره تحصیلی پیام میدم.  
سلام. مشکل چیه؟  
درس نمی خونم و می افتم.  
چرا درس نمی خونی؟  
چون برا وقتم ارزش قائلم.  
اینکه خوبه  
نه دیگه چون برا وقت ارزش قائلم ترجیح میدم زمانم رو برا درس خوندن تلف نکنم.  
خوب تو طول ترم چیکار می کنی؟  
با رفقا می ریم کافه گردی، دور دور، PS5 می زنیم، اینستا می چرخیم.  
ببین وقت این قدر هم ارزش نداره که بخوای همش رو صرف این کارهای حیاتی بکنی. اگه برنامه ریزی کنی چی؟  
همه‌ی اینا با برنامه ریزیه  
اصلا وسطش زمان ندارم که بخوام درس بخونم.  
ولش کن  
بیا یه راه دیگه پیدا کنیم.  
بِه به چقدر شما فهمیده‌اید خانم مشاور.  
خوبه!  
به نظر من به تعداد آدم‌ها راه هست برای پاس شدن.  
موقع تدریس استاد، خلاصه نویسی کن.  
شب امتحان خلاصه‌ها رو بخون.  
ساعت کلاس‌ها می خوره به زمان خواب من.  
موقع تدریس خوابم. بعد هم شب امتحان نمی شه.  
چرا؟  
چون شبای امتحان ما به تحلیل بهترین فیلم‌های سینمای جهان می پردازیم.  
آقای فراستی در جریانن که شما در حوزه نقد فیلم دستی بر آتش داری؟  
راهکار دیگه‌ای به ذهنم نمیرسه.  
خانم مشاور شما خیلی با کمالاتی ولی چرا همش دنبال راه‌حل‌های سخت می گردی؟  
پیچیده‌ترین مسائل، ساده‌ترین راه‌حل‌ها رو دارن.  
می تو نیم تقلب کنیم.  
خوب برای چی اومدی مشاوره؟  
من مشکل اصلی م اینه که روش‌های تقلب قدیمی شده، جواب نمیده.  
ببین اصل تقلب کم کم داره منسوخ میشه.

سجاد گیل پور



## رفیع السلطنه سخن می‌گوید...

خدیدجه رفیعی وردنجانی

از: رفیع السلطنه

به: مجلسیان خردمند

با عرض احترامات فائقه

اما بعد. عرایض تان به نظر همایون عالیجناب رسید. ایشان پیرامون اقلیت بودجه و کثرت مخارج و نیافتن دیواری کوتاه‌تر از معلمان، نکاتی را قید فرمودند تا چاره‌ای باشد برای تأخیر هرچه فزون‌تر در امر ایشان. آن نکات بدین شرح است:

برای آن که معلم‌ها را پای بند خود کنید طرحی ابداع کنید و اسمش را رتبه‌بندی بگذارید تا این‌گونه برای همان رتبه‌ی اندک، تا همیشه بند شما باشند.

هر بار تصویب آن را به تأخیر بیندازید و در هر تأخیر طرح را به آب ببندید تا حجمش زیاد شود.

انقدر امروز و فردا کنید که بندبند وجود معلم‌ها از هم گسسته شود؛ این‌گونه می‌توانید رتبه‌بندی را به نحو احسن انجام دهید و به معنای حقیقی این طرح دست یابید.

هر زمان به کار شما اعتراض کردند یک بند زیرزمینی بیاورید و سرشان را گرم کنید تا بتوانید بیشتر و بیشتر آن را به تأخیر اندازید.

هر بار که درباره‌ی زمان تصویب رتبه‌بندی از شما مجلسیان پرسیدند انگشت مبارک را رو به دوربین‌ها بگیرید و بگویید به اندازه‌ی این بند انگشت تا وعده‌ی دیگری برای دل خوش کردن آنان داشته باشید.

با این طرح، دخل و خرج و جایگاه معلمان را به بند بکشید تا به آرمان‌های طرح پایبند باشید.

اگر شدت اعتراض‌ها بالا گرفت دو بند شعر بنویسید و با صدای پرخروش خود بخوانید تا برای نشنیدن صدای نخراشیده‌ی شما هم که شده دیگر اطرافتان نیابند.

با این تقاسیر تا ۱۱ سال می‌توانید رتبه‌بندی را به تأخیر بیندازید. پس از آن اگر از شدت خجالت خانمان و کثرت قیمت نان، مجلس را به توپ بندند، خود دانید و کرامات بی‌شمارتان.

## باجناق فامیل نمی‌شود

یونس بهاروند

از: هیات نظارت بر نمایندگان

به: هیات رئیسه مجلس

با سلام و تهیت

احتراما بدینوسیله به استحضار می‌رساند، در خصوص شایعه واگذاری خودروهای شاسی‌بلند، موارد ذیل به حضور ایفاد می‌گردد:

بنابر بررسی‌های انجام شده شاسی هیچ‌کدام از خودروی‌های نمایندگان بلند نیست.

تعدادی از نمایندگان که به صورت قانونی خودروی شاسی‌بلند تحویل گرفته‌اند، صرفاً پس از کوتاه‌کردن شاسی آن خودرو از آن استفاده کرده‌اند.

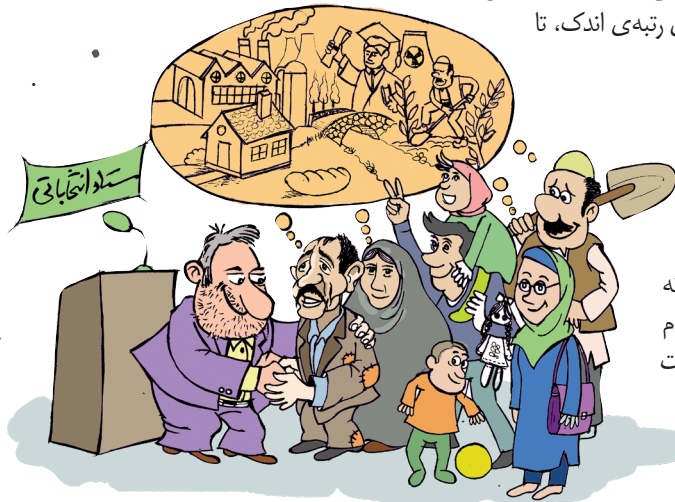
طبق بررسی‌های صورت گرفته، حتی تعدادی از نمایندگان، خودرو بدون شاسی تحویل گرفته‌اند.

شایان ذکر است تعدادی از نمایندگان برای باجناق خود، خودرو شاسی‌بلند تحویل گرفته‌اند؛ از آن جهت که باجناق جز فامیل محسوب نمی‌گردد، لذا این موضوع مصداق رانت محسوب نمی‌شود.

در پایان جهت رفع مسأله پیش آمده، پیشنهاد می‌گردد در قالب طرح ۳ فوریتی، طرح حذف شاسی از خودروها در صحن مجلس طرح و تصویب شده تا ضمن رفع این شبهات از مشکلات احتمالی آتی نیز پیش‌گیری شود.

با سپاس و امتنان

دبیر هیات نظارت بر نمایندگان



سید محمد سالم



## اردوی اجباری

مهدی حمیدی امیدوار

درس خواندن در ایام امتحانات، صفای دیگری داشت و حواشی آن مصادف بود با آموزش و مرور یک سری مهارت‌های زندگی. اصلا درس خواندن بدون یادگیری مهارت‌های زندگی چنگی به دل نمی‌زد.

ما در مدرسه‌مان که بهترین مدرسه‌ی دنیا بود مهارت‌هایی مثل زندگی در شرایط سخت، مهارت نظم و انضباط تا درجه تیمساری، مهارت کسب علم و دانش با چنگ و دندان، مهارت صداقت در رفاقت و لو ندادن رفیق تا پای اخراج از مدرسه، مهارت فرار نکردن از مشکلات و ماندن در مدرسه و کتک خوردن مثل سگ و مهم‌تر از همه مهارت انتخاب درست بر سر دوره‌های زندگی را به صورت عملی آموخته‌ایم که جا دارد دانشنامه‌ی دکترای روانشناسی تربیتی یا تکنولوژی آموزشی را به ما بدهند؛ هر چند تعداد زیادی از ما دیپلم ردی هستیم!!

مثلا معلم ما می‌گفت اگر درس ریاضی‌تان را خوب نخوانید و در امتحان نمره‌ی تک بیاورید پدرتان را در می‌آورم؛ روزی‌تان چوب انار است و فلک و البته قبل از فلک شدن باید با پای برهنه توی حیاط مدرسه روی برافها بدویم تا آدم شویم.

آقای ناظم هم که در ایام امتحانات همیشه کابل به دست، محترمانه و غیرمحترمانه ما را به درس خواندن تشویق می‌کرد و جوجه فوکلی‌های مدرسه را به تراشیدن موی سر به صورت چهارراه از وسط، تهدید می‌نمود.

در فصل امتحانات، دیدنی‌تر از همه مدیر مدرسه بود. ایشان مستمر و با کوشش‌های فراوان، همه‌ی ما را به درس خواندن در مدرسه یا اردوی اجباری در طویله رهنمون می‌کرد و عملا به ما می‌آموخت که در دوره‌های زندگی چگونه بهترین‌ها را انتخاب کنیم. روان‌شادِ خلد آشیان، قبل از تصحیح اوراق امتحانی با اتکا به حس ششم شریفش گاهی چنان با آن پنجه‌ی پهنش اردنگی سکندری کافرکوب به ما می‌نواخت که نگو و نپرس. با این رزمایش مدیریتی دیگر حساب کار دست همه می‌آمد تا هم‌دستان خود را در انواع اعتراضات و درگیری‌های مدرسه در فصل امتحانات چگونه لو بدهند اما هیئات... توی کت بجه‌های بامرام پایین شهر نمی‌رفت که نمی‌رفت.

حالا که بزرگتر شده‌ایم و پنجه در پنجه‌ی روزگار نامرد انداخته‌ایم بیشتر قدر این مهارت‌های زندگی را می‌دانیم. همه‌ی زندگی کلاس درس است و نیازمند به معلم و ناظم و مدیر دارد...

یادش بخیر؛ از پشت نیسان آبی به یکایک‌شان درود می‌فرستم و دست‌شان را می‌بوسم.

## موفق‌ها این متن را بخوانند

فاطمه خاوری

چ.ر.ت بعد از سفر بی‌بازگشت خود به کانادا زندگی‌نامه‌ی خود را به چاپ رساند. این کتاب که پرفروش‌ترین کتاب سال از بین ده کتاب کم‌فروش سال شد، از حقایق ناگفته‌ی زندگی این فرد موفق و نامدار پرده برداشت.

چ.ر.ت (ملقب به گربه نره) در این کتاب از فراز و نشیب‌های زندگی خود می‌گوید. در جایی از کتاب ذکر شده است که:

من از دوران نوجوانی و حتی طفولیت به فکر پرورش روح جنگنده و شارلاتان خود بوده‌ام. در امتحانات مدرسه همواره با کمک و وجست‌وجو از پاسخ‌های شاگرد اول کلاس به نمرات درخشانی دست می‌یافتیم. در حقیقت اگر این پرورش و ممارست بالا نبود، شاید هیچ‌گاه نمی‌توانستم قله‌های موفقیت را این چنین بییمایم...

او نقطه‌ی عطف زندگی خود را زمانی می‌داند که توانسته بود دانش خانواده را بدون مطالعه و تنها در جلسه‌ی امتحان پاس کند. وی متذکر می‌شود که از آن به بعد راه و روش یکی بود فقط مسیرها فرق داشت.

چ.ر.ت در کتاب خود می‌گوید: تقلب از قلب می‌آید و قلب مرکز انسان است، تقلب مرکز جهان امروز است و بدون آن کارها مشکل می‌شود، برای زنده ماندن در این دنیا باید تقلب کرد و تقلب ساخت.

وی همچنین درهایی تازه از تقلب در زندگی را می‌گشاید و به مردم سراسر جهان معرفی می‌کند: تقلب در امتحانات، تقلب در انتخابات، تقلب در انتصابات، تقلب در وعده‌ها و حرف‌ها و ...

گربه نره ۱۱۲۴۵۷۶۵۴۹۹۰۰۰ فن و نکته در باره‌ی رسیدن به موفقیت و مارموز بودن را ذکر می‌کند، از جمله زیرمیزی دادن، زیرمیزی گرفتن، تغییر اعداد در دفترهای حساب و ... این کتاب را می‌توان از سراسر کتاب‌فروشی‌های نامعتبر کشور خریداری نمود

## امتحان سخت بشر

مهدی حمیدی امیدوار

رها کن امتحان و درد هجران	به جان مادرت! بشنو پدرجان
و دردی که ندارد هیچ درمان	ز بعدش می‌شود کنکور و هی تست
نگردد اندکی کم، خوان یزدان	به فکر این همه اولاد خود باش
بزن بر آن بدن، بابای خوبان	به جای سیب و گندم، بزه ای را
به پاس سجده هایش پای انسان	بیا با جبرئیل و مشورت کن
حلال و پاک باشد بهر زندان	بگیر از وی برای می، مجوّز
مده این امتحان در باغ رضوان...	نخور از گندم آنجا دست ابلیس
که بیرون کرد آدم را ز میدان	امان از تست "انتگرال" ایزد
شیاطین شاد و انسان لخت و عریان	چنان شد آنچه که باید نمی‌شد
خدا را شکر افتادم به ایران	هیبوط آدمی سخت است و دلگیر
به جایش میزمن چایی و قلیان...	عجب سخت است دل‌کنند از این می!
به لطف حضرت شاه خراسان	صبا دیدم که بسحر می، شکستم

## نماینده‌ها خیلے گناه دارند

عارفه زراعتی

به نام خدا

موضوع انشا: می‌خواهید در آینده چه کاره شوید؟

من شغل را خیلی دوست دارم چون شغل داشتن باعث می‌شود پول در بیاوریم و بستنی بیشتری بخوریم.

پدر من همیشه می‌گویند درس بخوان تا در آینده برای خودت آدم مهمی بشوی.

من دوست دارم وقتی بزرگ شدم نماینده مجلس بشوم. چون معلم ما می‌گوید خیلی شغل مهمی است و در آن شغل ماشین هم می‌دهند.

من شغل‌های مهم و ماشین‌های باکلاس را دوست دارم.

البته پدرم می‌گوید سابقه کار خیلی مهم است و اگر سابقه کار نداشته باشی آدم هم حسابت نمی‌کنند. برای همین دو سال است که در شورای دانش‌آموزی مدرسه شرکت می‌کنم تا برایم سابقه کار شود.

البته رای آوردن در شورا به همین راحتی نیست ما خیلی برگه‌های تبلیغاتی روی دیوار چسبانیدیم و به نصف کلاس اولی‌ها ساندویچ سوییچ تخم مرغ دادیم تا به ما رای بدهند.

تازه قول دادیم اگر به ما رای بدهند مدیر مدرسه را اخراج کنیم و هفته‌ای سه بار اردو ببریم و نگذاریم بچه پولدارهای مدرسه با لوازم تحریرشان به بقیه پوز بدهند و از خوراکی‌هایمان به همه می‌دهیم.

البته به مشتی اکبری هم گفتیم کمک‌مان کند. آخر او خیلی زور دارد و می‌تواند با زورش برای ما رای جمع کند.

البته ما رقیب هم داشتیم. مثلاً جعفری از کلاس پنجم دو خیلی تلاش کرد در ساندویچ‌های ما مو بیاندازد و خودش به کلاس دومی‌ها ساندویچ فلافل با سس اضافه داد اما نتوانست من را شکست بدهد چون من به همه‌ی مدرسه قول داده بودم اگر رای بیاورم سرایدار مدرسه را به خاطر این که در بوفه چیپس پیاز جعفری ندارد استیضاه می‌کنم.

حالا من هم جزو اعضای شورای دانش‌آموزی هستم اما متأسفانه نتوانستم به هیچ‌کدام از وعده‌هایم عمل کنم و فقط زنگ تفریح بچه‌ها خوراکی‌هایم را می‌خورند. البته به مادرم نگفتم که چرا در این مدت ۷ کیلو وزن کم کرده‌ام. زندگی خیلی سخت است و ما داریم حال نیازمندان را درک می‌کنیم.

دیروز به همه اعضای شورا گفتم اگر سرایدار را استیضاه نکنیم سال دیگر کسی به ما رای نمی‌دهد و بدون سابقه‌کار می‌شویم و کسی ما را در مجلس راه نمی‌دهد.

ما از این انشا نتیجه می‌گیریم که نماینده مجلس خیلی گناه دارد و هر روز باید زنگ تفریح بدون تغذیه بماند و مدیر مدرسه اخراج‌شدنی نیست.

این بود انشای من

## جست‌وخیز در اعماق تاریخ

فاطمه دعوی

سال ۵۸۲۱ مظفرالدین شاه از درد کلیه به خود می‌پیچید و چنان خسته و آشفته در بستر دراز کشیده بود که چشم راست را از چپ تشخیص نمی‌داد. طبیب حس کرد دماغ شاه بوی سیم‌سوخته می‌دهد. به او گفت شما از بس هوای تهران را قورت داده‌اید این هوا به شکل خلط‌آور در گلو باقی مانده و ممکن است جان‌تان بالا نیاید. فلذا طبیب نسخه سفر پیچید که تا زمان مرگ وبال گردن پادشاه بود و مثل موربانه داخل بدن پادشاه جولان می‌داد.

سفر پادشاه به اروپا و حال و هوای تازه، مشروطه‌خواهی را از پهلوی راست به پهلوی چپ پادشاه منتقل کرد. این سفر برکات زیادی داشت. از آن‌جا که خزانه کم لطفی کرد و اموال را به باد فراموشی سپرد؛ شاه چشم چپ را مالاند و چند استخر نفت شمال به حلقوم روس ریخت. بلافاصله روس با شتاب سفر شاه را به همراه پسماند زباله راهی کرد.

مردم که به نان شب محتاج بودند، خون‌شان به جوش آمد. از تحصن‌ها کوه ساختند؛ معدن‌های طلا شروع به شکفتن کرد و فی‌الغور اولین مجلس شورای ملی تشکیل شد.

پادشاه زمانی که از تمام دنیا سیر شد، در شکم خود جایی برای سفر دوباره نگذاشت و با ترکاندن باد سفر جای خود را به محمدعلی شاه که از مشروطه‌خواهان بدش می‌آمد واگذار کرد.

محمدعلی شاه که هم جلف و هم جنتلمن بود با صلاح‌دید بزرگان روس با یک لگد مجلس را تعطیل کرد و یک سیلی آب‌دار به مشروطه‌خواهان زد که هوس آب‌خنک‌بازی به سرشان نزنند.

این مسلک درست محمدعلی‌خان باعث شد که وقار، متانت و وفاداری او به روس ثابت شود و انگلیس‌ها هم چنان گیسوان‌شان در قوطی نفت بماند و از حسادت بر ایران چشم‌پوشی نکنند و شلوارشان کوتاه‌تر از همیشه شود.

حسین احمدی



## "مرگ مگر زهر توبه‌ام بچشاند"

خدیدجه رفیعی وردنجانی

دایه ناصر خان سلام!

این پیام، آخرین حرف‌های من به شماست چون فکر می‌کنم امروز آخرین روز زندگی من است!

دور تا دور سالن امتحان را محاصره کرده‌اند. صدای شنی تانک به گوش می‌رسد. معاون مدرسه لوله‌ی تفنگ را به سمتم گرفته و هر لحظه ممکن است نارنجک توی دستم منفجر شود!

دایه جان!

باید... ب... ن... س... عه... ببخشید! صدا چند لحظه قطع شد؛ پای مراقب جلسه رفت روی گیرنده‌ای که برایم خریدی. کمی گوش را اذیت می‌کند اما خوب است و هنوز می‌تواند آخرین نفس‌های خسته‌ام را به شما برساند.

راستی! کاش مرگ انقدر زود به سراغم نمی‌آمد تا برای کنکور هم از همین کانال تلگرامی سوالات را بخریم. چون غیر از یکی دو سوال که پارتی داداش رضا گفته بود می‌آید و نیامد، بقیه سوالات تقریباً آمده.

وصیت می‌کنم برای شادی روحم، دو فرم از سوالات را بخری و بین متقلبان پخش کنی.

این را هم بگویم صبحی به‌مان پاتک زدند؛ حمید را گرفتند و بردند! بعد از رفتن حمید بقیه قلب‌هایشان را قورت دادند ولی من جرئت کردم و هنوز آن خودکار نامرئی که بهم دادی را نگه داشتم.

به حمید گفته بودم جواب‌ها را روی بازو و پایت بنویس. اما دقیقاً امروز فعال مدنی بودنش گرفته و با آستین کوتاه و شلوارک آمده سر جلسه! واقعا گرای توپخانه‌ی دشمن خیلی خیلی دقیق است که می‌تواند چنین اسطوره‌هایی را شکار کند!

ببخشید! دیگر نمی‌توانم صحبت کنم!

یادت که نرفته؟ دقیقاً نیم ساعت بعد از شروع امتحان باید منتظر مراقب باشم برای تبادل اطلاعات! فقط خدا کند که امنیت اطلاعات جلسه آن مراقب را شناسایی نکرده باشد! البته بعید نیست که سعید با آن حسادت عجیبش مرا لو داده باشد! از وقتی ارتش روسیه در خاک اوکراین جلو رفته، با من خیلی بد شده.

دایه جان! از هر طرف سرمان خراب شده‌اند؛ نمی‌دانم دیگر به خانه برمی‌گردم یا نه!

دیگر نمی‌توانم چیزی بگویم! چندتا از بچه‌ها فکر کردند جواب‌ها را بلند بلند می‌گویم و وصیت خصوصی‌ام پخش شد.

دایه جان! درود و بدرود.

## نه به سواد اجباری

عارفه زراعتی

از: ما مبارزان

به: ولیعهد

با عرض سلام و ادب و احترام خدمت شما سرور گرامی

ضمن در نظر داشتن شرایط امتحانات پایان ترم، عقب‌ماندگی از چارت درسی و اساتید سخت‌گیر در نمره‌دهی، از شما عاجزانه استدعا داریم که هر چه سریع‌تر به ایران مراجعت کرده و ریشه تحصیلات و فرهنگ سوادآموزی در کشور را بخشکانید چرا که دیدن آمار بی‌سوادی ۳۵ درصدی در زمان خاندان پهلوی نور امید را در دل ما دانشجویانی که به اجبار رژیم مشغول تحصیل هستیم روشن می‌کند.

همان‌گونه که مستحضرید تا سال ۱۴۰۰ بیش از ۹۰ درصد مردم ایران باسواد شده‌اند که این نشان‌دهنده اجبار این رژیم استبدادی است.

ولیعهدا!!!

اگر دیر بیاید فصل امتحانات ما شروع می‌شود و دیگر آمدن‌تان به درد عمه اشرف‌تان می‌خورد و همان بهتر که نیاید.

غافل شوید عنان کار از دست‌مان در می‌رود و رژیم یک مامور سرکوب‌گر با باتوم بالای سر هر دانشجو می‌گذارد تا درس بخواند و جمهوری اسلامی را آباد کند.

شاهنشاهها!!!

اوضاع از آنچه فکر می‌کنید خیلی خراب‌تر است. کار به جایی رسیده که هر ننه‌قمری حداقل یک لیسانس را دارد... این برخلاف راه و رسم حکومت بر مردم است که شاهان فقید به ولیعهدشان توصیه می‌کردند مردم را بی‌سواد و گرسنه نگه‌دار تا بتوانی بر آن‌ها حکومت کنی.

البته از آن طرف ماجرا را که نگاه کنیم جمهوری اسلامی با این کارش دارد گور خودش را می‌کند که همه را باسواد می‌کند.

ماجرا خیلی پیچیده است مغزمان نیم‌سوز شد.

کمی بیشتر که فکر می‌کنیم می‌بینیم این رژیم حاضر است به قیمت از دست دادن قدرت خودش همه را باسواد کند که شما نتوانید به مردم ایران حکومت کنید. حقا که این رژیم خیلی موزمار است.

به هر حال ما اینجا فقط برای مبارزه گاز روشن نمی‌کنیم بلکه با درس نخواندن‌مان هم مبارزه می‌کنیم و حق‌مان نیست که مبارزات‌مان بی‌ثمر بماند. فلذا از جناب‌عالی به عنوان ولیعهدی شایسته تقاضا داریم با بذل توجه به این نامه، به معضلات و دغدغه‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان مظلوم ایرانی رسیدگی فرمایید.

و من الله توفیق

جمعی از دانشجویان سلطنت‌طلب مظلوم





## محفل زندان

مهدي حميدي اميدوار

ويران شود اين شهر كه ميخانه ندارد"  
يك "مجلس" زندانه و جانانه ندارد

اكنون به تمنای وصال گل خدمت  
اشك شده درياچه و پيمانه ندارد

در حسرت آن صندلی نرم وکالت  
قلیم شده چون شمع كه پروانه ندارد

"ديريست كه دلدار پيامی نفرستاد"  
حالش شده چون مجلس و سامانه ندارد

در نام نویسی كه ترافیک عجیبی ست  
تاریخ، چنین ملت فرزانه ندارد

"در حسرت يك نعره مردانه بمردیم"  
يك "مجلس" بی درد كه ديوانه ندارد

با رای فراوان شده ای داخل مجلس  
حظی ببری كعبه و بتخانه ندارد!!

ساقی كه لبش سوخت ز برجام چنین گفت  
يك مجلس خاکی، یم شاهانه ندارد

## خانه‌ی ما كوچك است!

فاطمه بوجار

به نام خدا

موضوع انشا: آرزوی من

ما همیشه آرزو داشتیم در يك خانه‌ی خوب زندگی کنیم.

يك خانه‌ی خوب از نظر بابا خانه‌ای است كه او بتواند اجاره‌اش را بدهد. اما از نظر ما خانه‌ای است كه شبیه قصر باشد مثل خانه آن آقای فوتبالیست.

بابا می‌گوید: «خانه‌های خیلی بزرگ خوب نیستند چون آدم در آنها گم می‌شود.

یا مثلاً اگر زیاد مایعات بخوریم و دستشویی ته خانه باشد، آبروی آدم می‌رود.

از طرفی این خانه‌ها خرج‌شان زیاد است.

اصلاً تو می‌دانی آن فوتبالیست چقدر باید پول قبض برق بدهد؟

تازه دولت چون خانه‌ی خیلی بزرگ داری يك پولی هم به اسم مالیات از تو می‌گیرد.»

ما حساب کردیم داشتن خانه‌ی خیلی بزرگ نمی‌صرفد. همه‌اش باید پول بدهی.

ما كه چیزی از سیاست نمی‌دانیم ولی چند روز پیش بابا می‌گفت مجلس می‌خواهد قانون مالیات خانه‌های خیلی بزرگ را بردارد.

فكر کنیم چون خودشان خانه‌ی خیلی بزرگ دارند و پول برق‌شان زیاد می‌آید، قانون را برداشته‌اند تا پول كم بیاورند.

بابا می‌گفت زکی! قرار بود مثلاً با این قانون فاصله طبقاتی را كم کنند.

با این وضع درآمد دولت كم می‌شود. یه چیزی هم ما باید دستی به دولت بدهیم.

ما می‌دانیم كه فاصله طبقاتی خوب نیست. ما طبقه پنجم هستیم. هر وقت كه آسانسور خراب می‌شود ما باید از پله برویم. اگر فاصله طبقاتی ما كمتر بود زانوهایمان اذیت نمی‌شد.

ولی در كل ما خوشحال شدیم چون این جورى بابا می‌تواند برای ما يك خانه‌ی خیلی بزرگ اجاره كند.

قرار شد سعی کنیم مایعات كم بخوریم تا مشکلی پیش نیاید. برای اینکه گم هم نشویم ما رفتیم و چند جیبی‌اص خوب خریدیم. اما بعد بابا گفت مجلس قانون مالیات بر خانه‌های خیلی بزرگ را برداشته و گذاشته تا سرچایش بماند.

با این حساب ديگر جیب بابا اجازه نمی‌داد ما به خانه‌های خیلی بزرگ فكر کنیم ولی بابا قول داده است تا در روزنامه‌ها بگردد و چند آگهی استخدام سرايدار پیدا كند تا بتواند ما را به آرزوی‌مان كه زندگی كردن در يك خانه‌ی خیلی بزرگ است برساند.

این بود انشای من

خانم راستی شما لوازم الكتريکی آشنا سراغ ندارید كه این جیبی‌اص‌ها را از ما بخرد؟

# نیازمندیها

یونس بهاروند

استرس از شما آرامش از ما	رفع استرس و فشار روانی با داروی گیاهی، با روش سنتی انواع محصولات تخمیری و محلول	کاهش استرس ادریک جلسه تضمینی
شرکت آرام کو	دکتر اهورا	موسسه هیجان افرا
کنکور در پوست گردو حل المسائل مثل هلو	استرس تخصص ماست گاز (گروه استرس زدا)	استرس امتحانات خود را به ما بسپارید
موسسه هاو کینگ		شرکت بسپار
به هر قیمتی شما را به دانشگاه می بریم	آنلاین پزشکی شوید	حل همه سوالات کنکور با یک فرمول
موسسه به زور بران	موسسه سلامت مجازی	موسسه انیشتین
		باز کردن لوله، رفع نشتی، کاهش استرس با دستگاه
		شرکت راه گشا



نماین سلیمانی نژاد

اندک اندک جمع مستان می رسد پذیرش دانشجو در رشته درخواستی فول آپشن
موسسه آموزش عالی مستان

## مجلس شیشه ای

فاطمه جعفری

زنده ام با خدمت و من غیر خدمت نیستم  
میخورم هر لقمه را با غم اگر نان میخورم  
گاه چرتی میزنم در صحن مجلس چون که من  
می گشایم با سر انگشتم گره از کارها  
در تمام عمر با شوق همین می زیستم  
من به عشق مردمم شیشلیک ارزان میخورم  
میکنم در خواب خود حل، مشکلات این وطن  
بُرده ام هر مرحله از (انگري پرد) بارها  
وقت خود را هر سری بخشیده ام بر دوستان  
گفتی از شفافیت... گفتم کجا شفاف نیست!



حسین احمدی